

تنه آفرین است.

کار جناب بهبودی - چنانکه از عنوان توضیحی آن پیداست - فراتر از ترجمه تحت اللفظی است که با درنگریستن در قواعد ادبی، بلاغی و دقت در سیاق آیات و غور در فضای نزول و دیگر مسائل مربوط به فهم قرآن صورت گرفته است. در مثل در آیه ۱۰۷ سوره مائده، واژه «استحقاقاً» را مترجمان و مفسران به ارتکاب گناه باز گردانده اند و نوشته اند: «اگر آن دو مرتکب گناه خیانت شدند» و یا «اگر معلوم شد که گواهان خیانتی کرده اند» و یا «که مستوجب گناهی شده اند» و ... اما آقای بهبودی با دقت در جایگاه ادبی - صرفی، واژه «استحقاقاً» را چنین معنی کرده اند: «دروغی را که خود جعل و تزویر کرده اند برای شما راست قلمداد کرده اند». ترجمه آقای بهبودی روانتر و گویاتر است و از ابهامی که در ترجمه های دیگر است، پیراسته می نماید. اما روشن است که واژه «اثماً» در ترجمه نقل به معنا شده و دقیقاً نیامده است؛ مانند برخی ترجمه های دیگر. بیفزاییم که مثلاً در ترجمه ای که از قرآن مجید آمده است: «که ایشان گواهی به دروغ دادند، و بزه مند شدند». یا در آیه ۱۹۳ سوره بقره که آمده است «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة...»، مترجمان و مفسران واژه «فتنة» را گونه گون معنا کرده اند و گناه عین آن را آورده اند و مثلاً نوشته اند: «با آنها پیکار کنید تا فتنة از میان برود» و یا نوشته اند: «تا فتنة برافتد» و یا نوشته اند: «تا فتنة (و بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند» و یا نوشته اند: «تا فتنة و فساد از روی زمین برطرف شود». اما آقای بهبودی نوشته اند: «... پیکار کنید تا دیگر شکنجه ای و شکنجه گری برجا نماند». با دقت و تأمل روشن می شود که معنایی که آقای بهبودی به دست داده اند، هم با ریشه لغت سازگارتر است و هم با سیاق آیات همخوان تر و هم با شأن نزول هماهنگ. بیفزاییم که برخی از پژوهشگران نیز آن را به معنای یاد شده گرفته اند. (انقلاب تکاملی اسلام، ص ۳۲۳).

همچنین از آیه ۶۲ و ۶۳ سوره بقره که مترجمان با اجمال گری بر ابهام افزوده اند و خواننده با مراجعه به آن ترجمه ها درمی ماند که چگونه «کوه طور را بالای آنها بردند»، معنایی روشن و زودیاب به دست داده اند بنگرید: «به یاد آرید که از شما یهودان جهود پیمان گرفتیم: به این صورت که یک صخره آسمانی را بر

محققان، نویسندگان، مترجمان، ناشران و مراکز تحقیقی که مایلند آثارشان در بخش «تازه های نگارش و نشر» معرفی شود، یک نسخه از هر اثر تازه خود را به دفتر مجله بفرستند.

## معرفیهای اجمالی

محمدعلی مهدوی راد

معانی القرآن

ترجمه و تفسیر قرآن

محمدباقر بهبودی. (چاپ اول: تهران، نشرخانه آفتاب،

۱۳۶۹. ۸+۱۲۷ ص، وزیری.

از زمانی که کهنترین ترجمه قرآن مجید به زبان فارسی به هنگام سلطنت منصور بن نوح در اختیار مردم نهاده شد تا به امروز دهها بار قرآن کریم به خامه شیفتگان معارف قرآن در ایران عزیز - چه مستقلاً و چه در ضمن تفاسیر فارسی - به فارسی در آمده است. در میان ترجمه های قرآن در سالیهای اخیر به عنوان تلاشی جدی و ثمربخش باید از ترجمه های مرحومان مهدی الهی قمشه ای، زین العابدین رهنما و ابوالقاسم پاینده یاد کرد. ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی که اینک شهرتی درخور یافته است نیز قابل توجه و شایان دقت است؛ و توان گفت که برای خواننده امروزی در میان ترجمه های اخیر، روانتر و خواندنی تر و قابل فهمتر است.

اینک معانی القرآن را پیش رو داریم با عنوان توضیحی ترجمه و تفسیر قرآن به خامه استاد محمدباقر بهبودی. آقای بهبودی از پژوهشگران، حدیث شناسان و استادان زبان و ادبیات عرب است که اینک از پس چهل سال پژوهش و ژرفنگری در قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه قرآن را با ویژگیهای درخور برای شیفتگان آن عرضه کرده است. وی با برشمردن کاستیها و نقایص برخی از ترجمه های قرآن و نیز نشان دادن بی توجهیهای مترجمان به مقدمات لازم در ترجمه، عملاً شیوه ترجمه و تفسیر خود را نشان دادند. مقدمه وی در تبیین آنچه یاد شد، بسیار خواندنی و

سرتان فرا گرفتیم و گفتیم فرمان تورات را بپذیرید و با کمال نیرو احکام آن را به اجرا بگذارید و به دیگران هم خاطر نشان سازید. باشد که رده تقوا را طی نمائید. شما از ترس آن صخره آسمانی تورات را فراق گرفتید و ما سنگ را به دریا افکندیم ولی دیری نگذشت که از تورات و احکام خدا روگردان شدید و اگر آن روز فضل و رحمت خدا شامل حالتان نمی شد سنگ آسمان را بر سرتان فرو می انداختیم و شما در آزمایش زندگی از زیانکاران می شدید». روشن است که آقای بهبودی در ترجمه و تفسیر این دو آیه با دستمایه ای از شناخت تاریخ و با توجه به سیاق و دقت در فضای آیات به این معنا دست یافته است. از این نمونه ها بسیار است که در این یادکرد اجمالی نمی توان به آن اشاره کرد.

روشن است که مترجم هر اندازه چیره دست باشد و از راز و رمز و زبان مطلع و هر اندازه دقت روا دارد و وسواس به کار گیرد در انتخاب قالب و ظرفی برای نمایاندن محتوای کلام خداوند آخرین توفیق را به دست نخواهد آورد. مترجمان غالباً برای آنکه از یکسوی بر ترجمه کلمه به کلمه آیات افزون نکنند و از سوی دیگر ترجمه را گویا و خواندنی ارائه دهند، توضیحات را در میان پرانتز می آورند و گاه کلمات و جملاتی در حد ضرورت می افزایند. اما آقای بهبودی از این شیوه روی بر تافته اند و برای برآوردن مقصود راهی دیگر جسته اند. مناسب است بخشی از مقدمه بسیار دقیق و خواندنی ایشان را بیاوریم:

بهر حال ترجمه ای را که اینک از نظر خوانندگان می گذرانم بعد از چهل سال مطالعه مداوم و مراجعه به تاریخ صحیح و الهام گرفتن از احادیث صحیح اهل بیت به این صورتی که ملاحظه می شود پرداخته ام و تفسیر ساده آن را با ترجمه قرآن هماهنگ و یکنواخت آورده ام. باشد که با آرامش خاطر مطالعه آن دنبال شود و کسی در فهم مطلب در جا نزند و عقبگرد نکند تا پرانتزها را پیدا کند.

ببغزایم که اشتباهات و لغزشهایی که برخی مترجمان با عدم عنایت به ظرافتهای ادبی و شناخت روابط واژگانی مرتکب شده اند در این ترجمه به چشم نمی خورد. مثلاً بنگرید به ترجمه آیه ۲۱۴ از سوره بقره «أم حسبتم أن تدخلوا الجنة...» و مقایسه کنید با ترجمه ها، و نقد مرحوم سید محمد فرزاد بر ترجمه پاینده (مقالات فرزاد، ص ۴۰۳) و ترجمه های کهن مانند: تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۶۷. همچنین ترجمه آیه ۲۲۱ سوره بقره: «و لاتنکحوا

المشركات» را مقایسه کنید با ترجمه های دیگر. و نیز ترجمه آیه ۱۴ سوره رعد «له دعوة الحق» را مقایسه کنید با ترجمه های دیگر که این بخش از آیه را «الا کباسط کفیه» دیگران چگونه ترجمه کرده اند.

به هرحال گفتنیها درباره سبک و سیاق، شیوه ترجمه و تفسیر، بهره گیری از دانشهای جنبی در تفسیر و تبیین و دیگر ویژگیهای این ترجمه بسیار است. اما گفتنی است که این ترجمه و تفسیر در جریان ترجمه های قرآن يك تحول است و امید است با نقد و بررسیهای عالمانه و منصفانه راه کمال پویید و در شناخت قرآن کریم و معارف دریاوار آن فروغی پیشتر هلد. بدان امید.

### تفسیر القرآن بالقرآن عند العلماء الطباطبایی

خضیر جعفری. (قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۱)، ۴۰۰ ص، وزیری.

قرن چهاردهم هجری را باید قرن تحول در جریان تفسیرنگاری دانست. تحول عظیم فکری و فرهنگی در این قرن در پدید آمدن آثار بسیاری با دیدگاههای گونه گون در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی بسیار مؤثر بوده است. جریان تفسیر نگاری از این تحول بهره فراوانی داشته و آثار فراهم آمده در آستانه قرآن پس از این تحول - گو اینکه با کاستیها و لغزشها و حتی گاه با انحرافها - بسیار خواندنی و تنبّه آفرین است. میزان فی تفسیر القرآن، اثر جاویدان علامه طباطبایی در میان این مجموعه آثار، اثری است بی مانند و قلّه ای است افراشته. مؤلف بزرگ این کتاب در پدید آوردن این تفسیر عظیم، چنان دیده بانی سترگ و هوشیار، حرکتیهای مختلف فرهنگی و نگرشهای گونه گون تفسیرنگاری را زیر ذره بین تحقیق نهاده و با بهره مندی از سلاح پرتوان قرآن، به تصحیح اندیشه و نقد بینشها پرداخته و با پرتوگیری از قرآن به تفسیر آیات الهی همت گماشته است. سخن از تفسیر گرانقدر میزان در این مختصر نمی گنجد. عالمان و آشنایان به تفسیرنگاری در مناسبتهای مختلف درباره آن سخن گفته اند. (ر.ک: علی الأوسی. الطباطبائی و منهجه فی تفسیره میزان؛ یادنامه مفسر کبیر استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی. قم، انتشارات شفق، ۱۳۶۱، ص ۲۰۹ - ۲۴۹؛ مقاله با علامه طباطبایی در میزان، دومین یادنامه علامه طباطبایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۰۵ - ۳۲۹؛ مقاله نظریات

فلسفی علامه در میزان، مهر تابان، انتشارات باقرالعلوم تهران، ص ۴۱-۴۵؛ مفتاح میزان، ج ۱، ص ۱۵-۱۹؛ کیهان فرهنگی، شماره ۸، سال ششم) این بنده نیز با بیضاغت مزجاة مطالبی در اهمیت میزان و جایگاه آن در میان تفاسیر و چگونگیهای میزان نگاشته ام. (ر.ک: حوزة، شماره ۲۴، ص ۵۷-۶۳؛ کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره هشتم، ص ۱۲، مقاله جایگاه میزان در میان تفاسیر.) اما تبیین ابعاد مختلف میزان و شناسایی و شناساندن محتوای آن تلاشهای بیشتری را می طلبد.

به هر حال، نقطه اوج تفسیر علامه طباطبایی، روش تفسیرنگاری آن بزرگوار و بهره گیری از قرآن در تبیین آیات قرآن و تدبیر در آیات برای دست یافتن به معانی آیات است. کتاب مورد گفتگو در پی آن است تا پیشینه این شیوه را در تفسیرنگاری بازشناسی کند و جایگاه میزان را در این میان به نمایش گذارد. کتاب با مقدمه ای درباره چگونگی تألیف آن می آغازد و با باب اول که بحثی است درباره شخصیت علمی، استادان و آثار علامه و سیر تاریخی تفسیرنگاری و روشهای آن ادامه می یابد. مؤلف در باب دوم به آغاز و تطور روش «تفسیر قرآن به قرآن» پرداخته و در ضمن آن از چگونگی تفسیر موضوعی، تفسیر آیات به کمک «سیاق» و تفسیر آیه به وسیله دیگر سخن گفته است. در باب سوم از چگونگی بهره گیری از این روش در علوم قرآنی و نیز مباحث کلامی بحث کرده و نمونه هایی به دست داده است. کتاب به روی هم اثری است سودمند و گرانقدر. در پایان کتاب فهرست مصادر و آیات و فهرست موضوعات آمده است. اما فهرستهای لازم دیگری بر جای مانده و فهرست موضوعات کتاب نیز بسیار مجمل و نارساست. جای يك فصل در این کتاب خالی است و آن چگونگی ارتباط این روش تفسیری با سنت و احادیث تفسیری است. برخی از سر ناآگاهی این شیوه را نوعی بی توجهی به «عترت» در تفسیر تلقی کرده اند که یکسره خطاست و این بنده در مقالات یاد شده به این نکته اشاراتی داشته ام.

## المناقب

موفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی. تحقیق مالک المحمودی. (قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱). ۴۱۲ ص. ویری.  
«من چه بگویم درباره مردی که فضایل او را دشمنانش از راه

کینه جوئی و حسد انکار کردند، و دوستانش از ترس و بیم پنهان داشتند، باز این میان آن قدر فضیلتهای وی انتشار یافت که خاور و باختر را فرا گرفت». آنچه یاد شد، سخن مفسر بزرگ و ادیب دانشور، جبارالله زمخشری مؤلف تفسیر گرانقدر الکشاف است. (ر.ک: داستان غدیر، ص ۲۸۴). این کلام از یکسوی نشانگر فاجعه ای است سترگ در تاریخ اسلام که باید از آن به عنوان تحریف حقایق تاریخی نام برد، و از سوی دیگر بیانگر آفتاب سپیده گشای شخصیت علوی است که از پس ابرهای تیره و تاریکینه ها و حقدها، همچنان پر فروغ می تابد و راه می نماید.

آنچه در مجموعه آثار تدوین یافته در فرهنگ اسلامی با عناوین «مناقب»، «فضایل» و ... درباره آن امام انسانیت می یابیم، نمی است از آن یم، و کتاب مورد گفتگو نیز تلاشی است کارآمد در زمینه مناقب علوی و فضایل آن بزرگوار. مؤلف از عالمان، محققان و محدثان بزرگ قرن پنجم هجری است که شرح حال نگاران وی را به گسترده گی در دانش و بلاغت در بیان ستوده اند و از او به عنوان خطیبی بزرگ و محدثی جلیل و شاعری بلند آوازه یاد کرده اند.

مناقب خوارزمی شماره مورد توجه عالمان برده و از ترن پنجم به بند یکی از منابع مهم حدیثی به شمار می رنشد است. مؤلف عرضه احادیث را از بیان نام، کنیه و القاب علی - ع - آغاز کرده و با بیان نسب آن بزرگوار ادامه داده است. در فصل چهارم از سبقت امام - ع - در اسلام سخن رفته و در فصول دیگر درباره محبت پیامبر به وی و ترغیب به دوستی و نهی از دشمنی با آن بزرگوار، گسترده دانش، حتمداری، برتری وی در میان اصحاب، زهد در دنیا، تبرد وی با باغیان قاسط و مارق و ناکث، آیات نازل شده در شأن وی، و ... احادیثی آمده است.

مناقب، بار نخست در سال ۱۳۱۳ به صورت سنگی نشر یافته بود. پس از آن در سال ۱۳۸۵ با مقدمه ای به قلم محدث رضا خراسان درباره کتابهای مناقب و شرح حال مؤلف و بدون تحقیق منتشر شد. این دو چاپ مغلوب برده و افتصادگیهایی نیز داشته است. اینک جای سپاسمندی است اثری به این گرانقدری با چاپی منقح عرضه می شود. محقق محترم کتاب را بر اساس دو نسخه خطی تصحیح کرده و احادیث آن را با مصادر حدیثی مقابله

و تطبیق نموده و در پانوشتها برای احادیث متن، مصادر دیگری نیز یاد کرده است. تصحیح رجال متن بر اساس منابع رجالی و زدودن تصحیفها و تحریفها از اسناد احادیث، از جمله دیگر تلاشهای محقق است. افزون بر این، احادیث شماره گذاری شده و واژه های غریب اماکن آن توضیح داده شده اند. کتاب مقدمه ای دارد به قلم استاد جعفر سبحانی که در ضمن آن از شخصیت والای علی - ع - در کتاب و سنت، شرح حال مؤلف، استادان و شاگردان و آثار وی و نیز شیوه تصحیح و تحقیق کتاب سخن رفته است. تصحیح و تعلیق کتاب به روی هم کارآمد است. اما فهرست آن گویا نیست و به فهرستهای فنی و کارآمدتر کتاب نیازمند بود که امید است در چاپ دوم اضافه شود.

### المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه

محمد دشتی و کاظم محمدی. (چاپ دوم؛ قم، دفتر نشر امام علی - ع -، ۱۳۶۹). ۲۶۱ + ۵۰۲ ص، وزیری.

نهج البلاغه اثر جاودانه متفکر، متکلم، مفسر و فقیه گرانقدر، سید رضی - ره - در عالم کتاب از جمله موفقترین و مشهورترین آثار اسلامی است. شرحها و آثار فراهم آمده درباره آن حجم عظیمی از میراث تحقیقی ما را تشکیل می دهد. در سده های اخیر و به موازات گشوده شدن ابعادی تازه در پژوهشها، درباره نهج البلاغه نیز آثار سودمند و کارآمدی پدید آمد. از جمله این آثار است کتابهای کلیدی و واژه نامه ها و فهرستهای موضوعی. این بنده در مقامی دیگر از این گونه نگاشته ها یاد کرده ام. (مجله حوزه، شماره ۱۳، ص ۱۶۴، مقاله نگاهی به معجم ها.) کتاب یاد شده نیز در همین زمینه است با ویژگیها و برجستگیهای شایان و قابل توجه. چاپ اول کتاب به سال ۱۳۶۴ در ۱۴۶۰ صفحه به همراه متن نهج البلاغه، مصادر خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار و... منتشر شد و مورد توجه مجامع علمی، پژوهشگران و استادان قرار گرفت و در فراتر از مرزهای ایران اسلامی نیز نشر یافت و تحسین محققان را برانگیخت.

گزینش متنی دقیق و مقابله شده با کهنترین نسخه نهج البلاغه، آوردن جمله های تمام و کاملاً مفهومی و به اصطلاح «یصح السکوت علیها» با آوردن مرجع ضمائر و جعل مبتدا و خبر در داخل پراکنش و... از جمله مزایا و برجستگیهای این اثر کارآمد

و گرانقدر است.

اینکه چاپ دوم آن با بهره روی از اظهار نظرهای استادان و محققان و بازنگری دقیق از سوی دفتر نشر امام علی - ع - منتشر شده است؛ با این مزایا:

۱) کنترل دقیق اعراب گذاریها، ۲) بازنگری دقیق جعل مبتدا و خبر، ۳) کنترل دقیق مواد و چینش عناوین، ۴) اصلاح اغلاط چاپی و زدایش کاستیها و نارساییها، ۵) بازنگری جملات و کوتاه سازی آنها با حفظ مفید و کامل بودن که مآلاً حجم کتاب بسیار کوچکتر از چاپ اول شد، ۶) چاپ ترجمه ای همراه متن عربی، ۷) چاپ شکیل و زیبا و چشم نواز؛ از جمله چاپ مواد و عناوین با رنگ قرمز.

در چاپ حاضر، شرح لغات و مصادر نهج البلاغه حذف شده است. اولی بدان جهت که ترجمه به همراه متن آمده است و دومی برای اینکه تفصیل آن در بحثی جداگانه از سوی دفتر نشر امام علی - ع - با دقتها و مزایای بیشتری منتشر شده است. به هر حال المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه، یکی از بهترین و دقیقترین و کارآمدترین کتابهای کلیدی است. سعی مؤلفان مشكور باد.

### سیر قضاوت در ادوار تاریخ

علی حجتی گرمائی. (تهران، انتشارات مشعل دانشجو، ۱۳۶۹). ۵۷۶ ص، وزیری.

پهنه گیتی همواره آوردگاهی بوده است میان ظلم و عدل. در این کشاکش همواره تاریخ، گویا اینکه زورمداران و زراندوزان و تزویرگرایان غالباً حق را به مسلخ می بردند و فرودستان ستم می کشیدند؛ اما عدالتخواهی به عنوان آرمانی والا هرگز از یادها نمی رفت و تأکید بر آن همواره با نگرشهایی گونه گون در اجتماع انسانی ظهور و بروز داشته است. دیدن و نگریستن چگونگی دادگریها و عدالت طلبیها و داوریهها در کشاکش این آوردگاه و نیز آگاه شدن از اینکه جریان دادگری و داوریه نیز تا چه اندازه آزاد بوده و یا تحت تأثیر قدرتهای یاد شده حق را به مسلخ می برده است؛ بحثی دلکش است و این کتاب عهده دار آن.

زمینه بحث بسیار گسترده و فراخ دامن است و مؤلف محترم کوشیده است تا جنبه هایی از آن را در ادوار تاریخ بنمایاند. کتاب

در پانزده فصل تدوین یافته است: فصل اول عهده دار نگرشی است به پیشینه داورى در اجتماع انسانی و آنگاه گزارشی از «تفتیش عقاید» و مسائل مربوط به آن. در فصل دوم از قضاوت در دیار مصر باستان و در میان آشوریان و قوم یهود سخن رفته است و در فصل سوم از داورى ایران باستان و ادوار تاریخی بعد تا عهد صفویان. در فصل چهارم و پنجم از قضاوت و چگونگی آن در هندوستان، چین، ژاپن و آتن بحث شده و در فصل ششم از تطورات قضایی در سیر تحولات اجتماعی نظامهای سیاسی سخن رفته است. در فصل هفتم تطوّر داورى در تاریخ روم باستان و چگونگی آن نقد و بررسی شده است. فصل هشتم عهده دار بحث از آیینهای داورى در جوامع فنودالی است و فصل نهم درباره ماجرای تنبّه آفرین انگیزسیون یا تفتیش عقاید با پیامدهای آن است. فصل دهم، قضاوت در انگلستان را به بحث نهاده است و در فصل یازدهم و دوازدهم از دیدگاههای قضایی فیلسوفانی چون افلاطون و منگرنی چون منتسکیو سخن رفته است. فصل سیزدهم به بحث از تطوّر داورى در تاریخ اسلامی می پردازد و چگونگی آن را در نظامها و حکومتهای مختلف، هوشمندانه بررسی می کند. در فصل چهاردهم با عنوان «بعد مذهبی قضاوت» به دیدگاه اسلام درباره داورى پرداخته تا خواننده به درستی دریابد که آنچه در فصل پیشین آمده تا چه اندازه با اسلام و نگرش آن همگون بوده است. این بحث با بحث «ریشه و گزارش داستانی هیجان انگیز پایان می پذیرد. فصل پانزدهم قضاوت در قانون اساسی است و نیز گزارش چند فرع فقهی.

چنانکه پیشتر یاد کردیم، موضوع بحث بسیار گسترده است و از این روی برخی از بخشهای کتاب به اختصار نهاده شده است؛ اما مطمئناً «ایجاز مخل» نیست. فهرست موضوعی کتاب، گویا و خوب است و اما فهرستهای دیگر را ندارد که امید است در چاپهای بعدی افزوده شود. کتاب بر روی هم خواندنی و سوده منداست و با توجه به اینکه در این باب پژوهشی درخور دست کم در فارسی نداشته ایم، حسن انتخاب و تحقیق شایسته مؤلف ستودنی است. یادآوری کنیم که پیشتر از این، کتاب ارزنده نهاد داورى در اسلام را از جناب آقای محمد حسین سناکت داشتیم که به سیر تطوّر داورى در اسلام با نگرشی بسیار گذرا به

داوری در جهان پیش از اسلام پرداخته است.

## معاد در نگاه وحی و فلسفه

محمد باقر شریعتی سوزواری. (تهران، مؤلف). ۳۴۶ ص، وزیری. اعتقاد به واپسین روزگار و زندگانی اخروی با سرشت انسان آمیخته است؛ از این روی انسانهای حق طلب به گونه های مختلف به آن باور دارند و از منظرهای مختلف به آن می نگرند.

در آموزه های قرآن و سنت یکی از مهمترین و گسترده ترین آموزه ها، معاد باوری و توجه دادن انسان به حیات اخروی و زندگانی جاودانی است. محققان و نویسندگان اسلامی در تبیین توضیح مسائل معاد و جهان پس از مرگ آثار فراوانی نگاشته اند. این آثار با توجه به مشربهای فکری و عقیدتی مؤلفان گونه گون بوده است. از جمله آثار سودمند و دقیقی که مؤلف آن به این بحث از نگاه فلسفه و وحی نگریسته و در پرتو آگاهیهای فلسفی و آموزشهای وحیانی باریک نگرهای گرانقدری نموده و حقایق قابل توجهی ارائه نموده، کتاب یاد شده است.

کتاب با مقدمه ای از استاد محمد تقی جعفری در اهمیت موضوع و قدردانی از کتاب می آغازد و با پیشگفتار مؤلف ادامه می یابد. آنگاه بخش اول کتاب است با نگرشی دقیق به نقش معاد و ابعاد آن در زندگی انسان. در بخش دوم با تبیین روش بحث از روح، اثبات آن، بقای آن و ماجرای تسخیر روح سخن رفته است. در بخش سوم دیدگاههای مختلف در موضوع معاد بازنگری شده و به مسأله تناسخ رسیدگی شده است. بخش چهارم عهده دار بحث از قیامت است با نگرشی به معاد از نظرگاه فلسفه خلقت، لزوم معاد از نظر عدالت و ...

بخش پنجم را باید حساسترین بخش کتاب به حساب آورد که به بحث اندیشه برانگیز و بسیار مهم معاد جسمانی پرداخته و با طرح دقیق «مشکل» به نگرشهای گونه گون درباره آن رسیدگی کرده و در پرتو دلایل فلسفی، وحیانی اثبات کرده است. شبهات معروف مربوط به معاد جسمانی در این فصل آورده شده و با پاسخ گویی بدانها، بحث روشنتر شده است. این بخش با آیه ای جامع و یا به تعبیر مؤلف با جامعترین آیه درباره رستاخیز پایان می پذیرد؛ «ختامه مسك». در آخرین بخش، بحث برزخ، سؤال و حیات قبر، فلسفه وجود برزخ، تجسم و بقای اعمال مطرح شده و به

نکات قابل توجهی از جمله تجسم روابط در آخرت، تجسم روابط امام و امت، زندگی دوزخیان و... رسیدگی شده است. چنانکه پیشتر آوردیم، کتاب در موضوع خود از جمله آثار سودمند و خواندنی است.

### گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی

(تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ۱۵+۷۸۶ ص، وزیری.)

شناخت تاریخی تحولات و چگونگی کشورهای همسایه برای مردم ما يك ضرورت است؛ به ویژه برخی از کشورها که جریانها و حرکت‌های حاکم بر آنها نقش مستقیم و شایان توجهی در تحولات ایران داشته است. تاریخ و تحولات امپراطوری عثمانی که روزگاری از قدرت شگرف و وسعتی عظیم برخوردار بود، از این دست تحقیقات است. بی گمان از جمله مقدمات لازم برای پژوهشی درخور و استوار، دست یافتن به انبوه اسناد و مدارک موجود در نهاد‌های سیاسی دو کشور و اطلاع وسیع از طرز روابط دولتها و ملت‌هاست. به دیگر سخن، دریافتن تحولات و چگونگی آنها و بهره وری و پنداندن‌وی از فراز و نشیب‌های تطور این روابط جز در پرتو اسناد تاریخی که نمایانگر آن محمولاتند به درستی میسر نیست. از این روی همت «شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد» در وزارت امور خارجه ستودنی است که برای تدوین و نشر اسناد همت ورزیده و اینک جلد اول از گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی را به گونه ای زیبا روشمند و دلپذیر عرضه کرده است.

این جلد عمده‌تاً حاوی اسناد سالهای ۱۲۱۱ تا ۱۲۷۰ هجری قمری است. کتاب با مقدمه ای در تبیین ضرورت نشر این گونه اسناد آغاز می شود و با پیشگفتاری درباره چگونگی تدوین مجموعه ادامه می یابد. متن کتاب در شش فصل تدوین یافته است: فصل اول نگاهی است گذرا به نکاتی مهم از تاریخ ایران و عثمانی. فصل دوم اسناد متبادل سران دو کشور و دولتمردان ایران و عثمانی است. در فصل سوم اسناد مربوط به امور سرحدی، سابقه تاریخی آن و اسناد محرره و قراردادهای بین دولتی گزارش شده است. فصل چهارم عهده دار گزارش اسناد امور سرحدی دولتی، اسناد مذاکرات ارزنة الروم و اسناد سرحدی کردستان و آذربایجان است. در فصل پنجم صورت گفتگوهای

مأموران دولتهای چهارگانه (ایران، عثمانی، روس و انگلیس) گزارش شده است. و در فصل ششم نمونه هایی از احکام و قباله‌های قراء سرحدی ایران و عثمانی آمده است. بخش پایانی کتاب به عنوان ضمیمه حاوی اسامی سلاطین عثمانی و تصاویر برخی از آنهاست؛ به همراه پنج قطعه نقشه امپراطوری عثمانی.

به هر حال کتاب در مجموع بسیار کارآمد تنظیم شده است و برای پژوهشگران در این زمینه سودمند و کارگشا خواهد بود. یادآوری کنیم که بخش عمده محتوای کتاب در این جلد و مجلدات دیگر اسنادی است که بازخوانی می شود. از این روی باید دقت فراوانی معمول شود که اسناد به غلط ثبت نگردند. در این جلد، در صفحه ۷۸۶ يك سطر مانده به آخر، «پاره ای» و در صفحه ۸۲۷، سطر دوم، «بناء علیه» و در صفحه ۸۲۹ در عبارت عربی اول سند، «وقعت من جریان الصیفة و القبض»، «لدینا» درست است. در همان صفحه در آغاز صفحه در آغاز سند کلمه «شر» زاید است. در صفحه ۸۳۱ «من اثبع» درست است. در صفحه ۸۳۲ «بما» صحیح است. در صفحه ۸۳۹ در عبارت عربی «الذین هم» و در صفحه ۸۴۰، سطر ۷ «علی عهده البائع» و در سطر ۸ «فی الشریعه» و در سطر ۹ «بعوضین» و در صفحه ۸۴۱، سطر ۷ «الأطیاب» و در صفحه ۸۴۴، سطر ۱۷ «خيار الغین» و سطر ۱۸ «کتصرف» صحیح است. البته آنچه آمد، برخی قطعاً از اغلاط چاپی است. به هر حال حساسیت موضوع دقت افزونتری را می طلبد. با سپاسمندی از این تلاش عظیم توفیق دست اندر کاران این مجموعه را از خداوند خواهانیم

### زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان

محمد مناظر احسن، ترجمه مسعود رجب‌نیا. (چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ۳۸۸ ص، وزیری.) کتاب حاضر نمونه ای است از يك تحقیق عالمانه و باریک بینانه که سوگمندان امروز، بدین دقت و وسواس، کمتر انجام می گیرند. نویسنده در این اثر با توغل در متون عربی و انگلیسی و فرانسوی و نشریات ادواری، اثری بسیار کارآمد و سودمند فراهم آورده و نقیبی به دهلیزهای زندگی اجتماعی مردم در حکومت عباسیان زده و زوایای آن را دقیقاً نمایانده است. این کتاب در هفت فصل سامان داده شده است؛ در فصل نخست به بررسی منابعی پرداخته است که

در آن چگونگی زندگی اجتماعی مردم در دوره حکومت عباسیان نمایانده شده است. این منابع عبارت است از: آثار ادبی و اخلاقی، آثار داستانی و نقالی، آثار تاریخی، دیوانی، رجالی، کتبیبه ها و... فصل دوم کتاب عهده دار چگونگی پوشاک مردم در این دوره است: پوشش سر، تکه های تن پوش، ردا، سروال، جامه های مشخص بعضی از گروهها، جامه زنان و... مورد تدقیق قرار گرفته و از چگونگی آن به تفصیل سخن رفته است. در فصل سوم و چهارم از خوراک و خانه و اثاثه آن سخن رفته است و انواع خوراک مردم (سبزیها، شیرینیها، میوه ها، وسایل آشپزی و مساتل دیگری از این گونه) به دقت مورد تحقیق قرار گرفته است. هکذا در بحث از خانه و اثاثه آن، به بها و مال الاجاره خانه ها، انواع خانه ها، آرایش خانه ها، مصالح ساختمانی و... اشاره شده است. در فصل پنجم کتاب به شکارگری پرداخته شده و اطلاعات دقیقی از جانوران شکاری، ابزار شکار، جنبه های اقتصادی شکار و... به دست داده شده است. بازیهای درون و بیرون خانه، و جشنها و شیوه برگزاری آن، از مسائلی است که در فصل ششم و هفتم مورد پژوهش قرار گرفته و مؤلف به نکات بسیار مهمی اشاره کرده است. منابع مؤلف در فراهم آوردن این اثر بسیار گسترده و همه جانبه است و استفاده وی از این منابع، چشمگیر و فراوان. هیچ بندی از این کتاب بدون استناد به منبع نوشته نشده است و هیچ جا مطلبی به تسامح و غفلت گرفته نشده است. از این رو خواننده با مطالعه این اثر مطمئن است که متنی مستند، عالمانه و عمیق را در پیش رو دارد. در مثل فصل سوم کتاب که به بررسی «خوراک» مردم پرداخته شده، مستند به ۷۷۶ یادداشت است. افزون بر اینکه در بسیاری از یادداشتها، چند منبع مورد استناد قرار گرفته است. ترجمه کتاب، روان و خواندنی است و «بوی ترجمه» از آن استشمام نمی شود. مطالعه و تأمل در این اثر، بسیار مفید و پربار حاصل است. امید است که تحقیقاتی از این دست، نمونه ای باشد برای آنان که به کتب و کاو در تاریخ می پردازند و گتره ای می نویسند.

### فهارس ربیع الأبرار

اعداد السيد علی المدناني. (منشورات الشريف الرضي، قم، ۱۴۱۱). ۴۵۶ ص. وزیری.

ربیع الأبرار از آثار مهم، سودمند و گرانقدر متکلم، مفسر و ادیب

بزرگ قرن ششم، محمود بن عمر زمخشری است. ربیع الأبرار به شیوه آثار ادبی پیش از زمخشری تدوین یافته و در ضمن بابهای مختلف آثار، اخبار قصص، لطایف و حقایق بسیاری را عرضه کرده است. این کتاب از جهاتی قابل توجه است و گفتگو درباره آن در این مختصر نمی گنجد، و سخن تفصیلی درباره آن در شماره ای دیگر خواهد آمد.

به هر حال، بهره وری از آثاری که کشکول وار از هر دری سخنی رانده و از هر فنی ظریفی را گرد آورده اند و استفاده از محتویات آنها، دشوار و دیرپاب است. فهرستهای متنوع و چهارآمده برای دستیابی به محتوی این گونه آثار تلاشی است بسیار سردمند و ستودنی. ربیع الأبرار تا این سالهای اخیر به صورت خطی باقی بود. محقق از دانشوران عراقی با تحقیقی دقیق آن را در چهار جلد منتشر کرد و همان چاپ در قم به گونه افسست نشر یافت. ناشر ایرانی برای رسیدن به هدف یاد شده تهیه و تنظیم فهرس کتاب را به آقای سید علی عدنانی - که از ناضلان و محققان حوزه علمیه قم هستند - پیشنهاد کرد که اینک حاصل تلاش گرانمایه آقای عدنانی را در پیش رو داریم.

فهرستها عبارتند از: فهرست آیات قرآن، احادیث قدسی، احادیث پیامبر، گفتار انبیاء، احادیث اهل البیت، فهرست اخبار و آثار، اشعار، اعلام، جایها، فرقه ها طایفه، امتها، کتابهای یاد شده در متن، حادثه ها، رویدادها، و روزهای مشهور و فهرست موضوعات.

از جنبه های مهم و ستودنی ربیع الأبرار نقل روایات بسیاری است از اهل البیت - ع - . برخی از عالمان شیعه با تکیه به این بخش از ربیع الأبرار تشیع و یا دست کم استبصار مؤلف را احتمال داده اند. (روضات الجنات، ج ۱۲۰، ص ۸-۱۲۳) یادآوری کنیم که ناشی دیگر ربیع الأبرار را به گونه افسست و با در هم ریختن تنظیم و تدوین محقق چهار جلد را در پنج جلد منتشر ساخت و مآلاً بسیاری از ارجاعهای محقق را به صفحات گونه گون کتاب بی ثمر ساخته است، و این فهرست نیز با آن چاپ همخوانی نخواهد داشت.

## معرفیهای گزارشی

### کلیات

- ۱- اصول و مبانی ترجمه. طاهره صفارزاده. (چاپ چهارم: تهران، نشر همراه، ۱۳۶۹). ۱۶۱ ص، وزیری. ۸۵۰ ریال.
- ۲- بحث: ارگان مخفی دانشجویان حوزه علمیه قم در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۴۴. گردآوری و مقدمه علی حجتی کرمانی. (چاپ اول: تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۸). ۲۱۴ ص، وزیری. در کتاب حاضر کلیه شماره های نشریه بحث، ارگان طلاب حوزه علمیه قم، گرد آمده است. نخستین شماره این نشریه به تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۴۲ و آخرین شماره آن به تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۴۴ است. نویسندگان این نشریه آقایان علی اکبر هاشمی رفسنجانی، علی حجتی کرمانی، سید هادی خسرو شاهی و سید محمود دعائی بوده اند. اینک جناب آقای حجتی کرمانی آستین همت بالا زدند و پس از گردآوری کلیه شماره های این نشریه، آن را در یک کتاب عرضه کردند. مقدمه کتاب در چگونگی انتشار این نشریه و مباحث روشنگرانه دیگری است که نیازمند مطالعه است.
- ۳- دایرة المعارفهای فارسی. ژیا و ونسل. ترجمه محمد علی امیرمعیری. (تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹). ۱۰۵ ص، وزیری. ۹۰۰ ریال.
- کتاب با مقدمه ای در چگونگی پیدایش و پیشینه دایرة المعارفها می آغازد و آنگاه در قسمت اصلی نوع شناسی دایرة المعارفها و دایرة المعارف پردازان و اصل طبقه بندی علوم پایان می پذیرد. در قسمت اول کتاب از انواع دایرة المعارفهای فلسفی، طبیعی، طبیعی و... سخن رفته است و در قسمت دوم از چگونگی طبقه بندی علوم در این دایرة المعارفها.
- ۴- راهنمای روزنامه های ایران ۱۳۶۷. تهیه و تنظیم کبری خداپرست و احمد صبا گردی مقدم. (چاپ اول: تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹). ۶۷ ص، وزیری. ۴۰۰ ریال.
- ۵- کارنامه دولت در استان ایلام ۱۳۶۸. ۳۳۳ ص، رحلی مصور.

- ۶- کتاب سال جمهوری اسلامی. گزارش هشتمین دوره دهه فجر ۱۳۶۹. (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹). ۱۸+۳۸ ص، جیبی.
- ۷- کتابشناسی کتابخانه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی: منابع لاتین. شهین خلیل پور و مریم هادوی. (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۹). ۱۰۱+۹۱۱ ص، وزیری.
- مدارک لاتین موجود در کتابخانه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی در کتاب حاضر دقیقاً فهرست شده است.
- ۸- کتابشناسی تهران. زیر نظر ناصر تکمیل همایون. (چاپ اول: تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹). ج ۱، ۲۹۹ ص، وزیری. ۱۲۰۰ ریال.
- ۹- کتابشناسی و راهنمای صنایع دستی ایران. فرزانه طاهری قندهاری و میسترا طاهری لطفی. (چاپ اول: تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹). ۲۶۸ ص، وزیری. ۱۶۵۰ ریال.
- ۱۰- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی محمد جعفری باقی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، و انتشارات سروش تهران ۱۳۶۹ وزیری، ۴۷۱ ص.
- ۱۱- فرهنگ پایه انگلیسی-فارسی. هیئت مؤلفین آکسفورد. ترجمه محمود نور محمدی. (چاپ اول: تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۶۹). ۵۶۴ ص، رقعی. ۳۰۰۰ ریال.
- ۱۲- فن روزنامه نگاری. فیلیپ گایار. ترجمه فضل... جلوه. (چاپ اول: تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸). ۱۵۱ ص، رقعی. ۶۰۰ ریال.
- ۱۳- فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی. مدیریت نمایه سازی. (تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹). ۵۳۷ ص، وزیری. ۱۵۰۰ ریال.
- ۱۴- مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. محمد حسن پروند. (انتشارات صحیفه، ۱۳۶۹). ۲۳۷ ص، وزیری. ۹۰۰ ریال.
- ۱۵- تاسیس الشيعة. سید حسن صدر. (چاپ اول: تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۹). ۴۴۲ ص، وزیری. ۲۰۰۰ ریال.
- ۱۶- شناخت آماری جهان اسلام. سید هادی خسرو شاهی. (قم، نشر خرم، ۱۳۶۹). ۱۴۴ ص، رقعی.